

عنوان: تاثیر آموزش خودمراقبتی به روش بازخورد محور بر تبعیت از درمان، اضطراب و افسردگی بیماران مبتلا به سرطان دستگاه گوارش تحت شیمی درمانی

استاد راهنما: سرکار خانم دکتر مولود فرمهینی فراهانی اساتید مشاور: سرکار خانم دکتر سهیلا شمسی خانی

جناب آقای احمد رضا عابدی

پژوهش و نگارش: محمد جلائی رشته تحصیلی: ارشد پرستاری داخلی جراحی

تاریخ دفاع: ۱۴۰۴/۱۲/۵

کاربرد:

کاربردهای این پژوهش در چهار حیطه قابل تبیین است: در حیطه بالینی، آموزش خودمراقبتی به روش بازخورد محور می تواند موجب افزایش آگاهی بیماران انکولوژی از رژیم درمانی، نحوه صحیح مصرف داروها، مدیریت عوارض شیمی درمانی، شناسایی علائم هشدار دهنده و همچنین ارتقای سلامت روان و مشارکت فعال آنان در روند درمان شود. در حیطه آموزشی، یافته ها می تواند مبنایی برای طراحی برنامه های آموزشی تعاملی و تقویت مهارت های ارتباطی پرستاران و رویکرد بیمار محور در مراکز درمانی باشد. در حیطه مدیریتی، نتایج پژوهش می تواند به مدیران پرستاری و سیاست گذاران سلامت در تدوین راهبردهای مؤثر و کم هزینه آموزش بیمار و بهره برداری بهینه از منابع کمک کند. در نهایت، در حیطه پژوهشی نیز این مطالعه می تواند زمینه انجام تحقیقات مشابه در سایر بیماران مبتلا به سرطان یا بیماری های مزمن و بررسی اثربخشی این مداخله در بسترهای درمانی و فرهنگی گوناگون را فراهم سازد.

چکیده:

مقدمه:

بیماران مبتلا به سرطان های دستگاه گوارش تحت شیمی درمانی با چالش هایی از جمله کاهش تبعیت از درمان و بروز اضطراب و افسردگی مواجه هستند. آموزش خودمراقبتی به عنوان یکی از رویکردهای مورد توجه در مراقبت از بیماران مزمن مطرح شده است. پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر آموزش خودمراقبتی به روش بازخورد محور بر تبعیت از درمان، اضطراب و افسردگی در بیماران مبتلا به سرطان های دستگاه گوارش تحت شیمی درمانی انجام گرفته است.

مواد و روش ها:

این مطالعه یک کارآزمایی بالینی تصادفی شده آموزشی است. نمونه های پژوهش شامل کلیه بیماران مبتلا به سرطان دستگاه گوارش بستری در بیمارستان آیت الله خوانساری اراک جهت شیمی درمانی در سال ۱۴۰۴ بود. ۷۰ بیمار به روش هدفمند انتخاب و با تخصیص تصادفی در دو گروه آزمون (۳۵ نفر) و کنترل (۳۵ نفر) قرار گرفتند. گروه آزمون، مداخله آموزشی خودمراقبتی به روش بازخوردمحور را دریافت کرد و گروه کنترل فقط آموزش های روتین را دریافت کرد. پرسشنامه ها در دو مرحله قبل و یک ماه بعد از آخرین جلسه مداخله توسط شرکت کنندگان تکمیل گردید. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه 27 و آزمون های آماری ناپارامتریک من ویتنی و ویلکاکسون تحلیل شد. سطح معنی داری در تمام آزمون ها ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

نتایج:

بین گروه کنترل و آزمون از نظر متغیرهای جمعیت شناختی تفاوت معناداری وجود نداشت ($p > 0/05$). پیش از مداخله، بین گروه آزمون و کنترل از نظر متغیرهای تبعیت از درمان، اضطراب و افسردگی تفاوت معنادار وجود نداشت ($p > 0/05$). پس از مداخله، بین گروه آزمون و کنترل از نظر متغیرهای تبعیت از درمان، اضطراب و افسردگی تفاوت معنادار وجود داشت ($p < 0/05$).

نتیجه گیری:

آموزش خودمراقبتی مبتنی بر روش بازخوردمحور با کاهش اضطراب و افسردگی و افزایش تبعیت از درمان، احساس کنترل، مشارکت فعال بیماران، کیفیت مراقبت های حمایتی و آموزشی را بهبود می بخشد و استفاده بهینه از منابع نظام سلامت را تسهیل می کند.

کلمات کلیدی: آموزش خودمراقبتی، روش بازخوردمحور، تبعیت از درمان، اضطراب، افسردگی، سرطان های دستگاه گوارش

Arak Nursing School

Student name: Mohammad Jalaei

Supervisor: Dr Moloud Farmahini Farahani

Advisors: Dr Soheila Shamsikhani

Mr Ahmadsreza Abedi

Defense date: 2026/2/24

Title:

The Effect of Self-Care Education Based on The Teach-Back Method on Treatment Adherence, Anxiety and Depression in Gastrointestinal Cancer Patients Undergoing Chemotherapy

Abstract

Introduction:

Patients with gastrointestinal cancers undergoing chemotherapy face several challenges, including reduced treatment adherence and the occurrence of anxiety and depression. Self-care education has been considered one of the important approaches in the care of patients with chronic diseases. The present study was conducted to investigate the effect of teach-back-based self-care education on treatment adherence, anxiety, and depression in patients with gastrointestinal cancers undergoing chemotherapy.

Materials and methods:

This study was an educational randomized controlled trial. The study population included all patients with gastrointestinal cancers who were hospitalized to Ayatollah Khansari Hospital for chemotherapy in Arak in 2025. A total of 70 patients were selected through purposive sampling and randomly assigned to the intervention ($n = 35$) and control ($n = 35$) groups. The intervention group received self-care education based on the Teach-Back method and the control group just received routine care. Data were collected using questionnaires administered at two time points: before the intervention and one month after the final intervention session. Data analysis was performed using SPSS version 27, employing the Mann–Whitney U and Wilcoxon signed-rank tests. A significance level of 0.05 was considered for all statistical tests.

Results:

There were no statistically significant differences between the intervention and control groups in terms of demographic variables ($p > 0.05$). Prior to the intervention, no significant differences were observed between the two groups regarding treatment adherence, anxiety, and depression (p

> 0.05). However, after the intervention, significant differences were found between the intervention and control groups in treatment adherence, anxiety, and depression ($p < 0.05$).

Conclusions:

Teach-Back self-care education reduces anxiety and depression and improves treatment adherence by enhancing patients' sense of control, active participation, and the quality of supportive and educational care. Furthermore, it facilitates the optimal utilization of healthcare system resources.

Key Words:

Self-care education, Teach-back method, Treatment adherence, Anxiety; Depression, Gastrointestinal cancers